

זכריה



زکریا در بابل مقوله شد.

او به پدر بزرگش عذو پیوست. به عنوان
یک از تبعید یها به اورشلیم بازگشت.



زکریا یک کاهن شد.



او سنت ها را حفظ کرد و عضو یک کهنه بود.
یک شورا از ۱۲۰ حاکم ارشد که توسط نصیحا
تأسیس شد و غزرا بر آن نظارت می کرد که
بعدا آن را شورا کی مستعبدین نامیدند.



دقیقا مانند هم دوره کی خود خبکی نبی. به او توسط خدا ماموریت دارد
شده بود که با تبعید یانی که به سرزمین وعده بازگشته اند صحبت کند.





پدران
شما و انبیای آنها
مذت زمان طولانی است که
مرده اند، اما آنها بازگرختند که
کلام خدا زنده است!

نبوتها در باره ی میازات
به حقیقت پیوستند. پس در آخر،
آنها توبه کرده گفتند، "ما آنچه را که
لایقش بودیم دریافت کردیم."

مانند
پدران خود مباشید!
خدا فرمود،
"پسایر، به سوی
من برگردید، اما آنها
نشینند و به من اعتنا
نکردند."



او به قوم بیخاموش واضح رساند.

خداوند قادر
مطلق بر پدران شما بسیار
فشملین بود.

اما اگر به سوی
او بازگردید، او به شما
هم خواهد.



خدا در یک شب به زکریا هشت رویا
در باره ی کی آینده داد

بخش از آنها به حقیقت پیوسته اند، اما بیشتر آنها
در انتظار بازگشت ثانویه ییسی مسیح هستند.







این به چه معنی است؟

این پیام خداوند است به زرابابل: "نه با قدرت نظامی و نه با قدرت فودت بلکه تنها با روح من، این فرموده خداوند است. "تو با کمک روح من موفق خواهی شد."

"زرابابل سافتن این معبد را با فریاد شکر و سپاس به خاطر رحمت خدا به پایان خواهد رساند."



چه می بینی؟

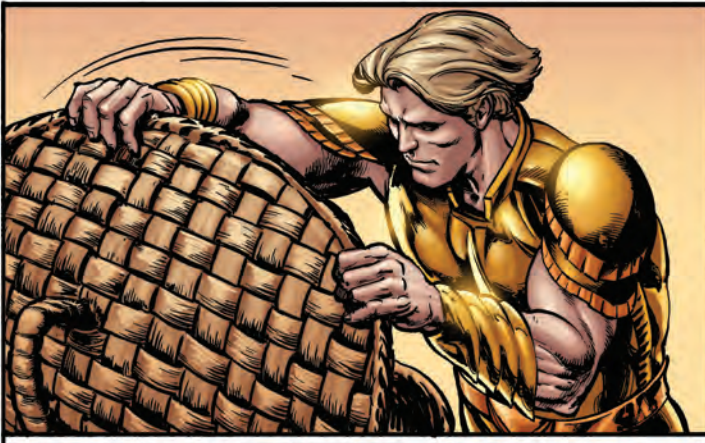


این نشان دهنده سفشان لعنت خداست که به سر تاسر جهان می روند.

نوشته شده است که همه ی کسانی که دزدی می کنند و دروغ می گویند دآوری می شوند و به مرگ محکوم می گردند.



یک طومار پر نره! در حالی ظاهر می شود که سی متر طول و پانزده متر عرض دارد!



این چیست؟
آن سبری
که پر از گناهان این
سرزمین می باشد.



آن زن
نماینده شرارت است.

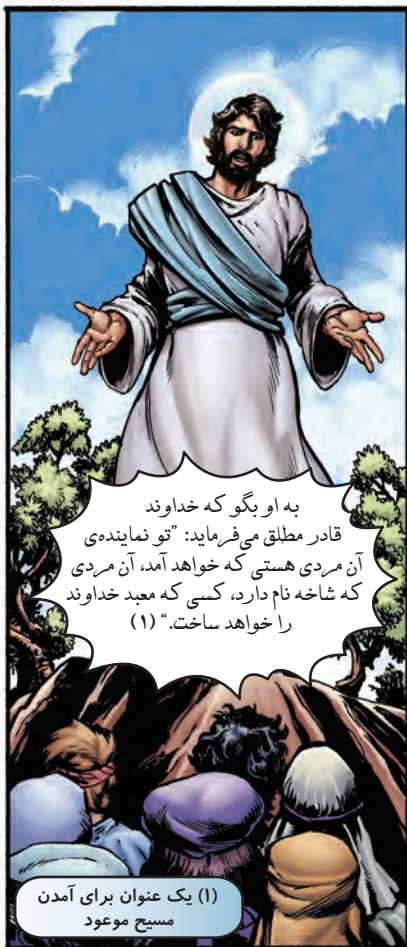


آنها او را به
کجا می برند؟
به بابل
جای که آنها یک معبد برای سبر
فرواوند ساخت تا آن را پرستش کنند.

آقای من،
اینجا چیستند؟
اینجا چهار روح آسمانی هستند که در هنوز فراوند همی
زمین ایستاده اند: آنها به بیرون می روند تا کار او را انجام دهند.

سپس
فرواوند مرا فرا خواند
و فرمود: "آنها اسب های
که به سمت شمال رفتند
و داوری مرا به ابرار در
آورده و فشم مرا فرو
نشانند."





به او بگو که خداوند
قادر مطلق می‌فرماید: "تو نماینده‌ی
آن مردی هستی که خواهد آمد، آن مردی
که شاخه نام دارد، کسی که معبد خداوند
را خواهد ساخت." (۱)

(۱) یک عنوان برای آمدن
مسیح موعود



هدایای آنها را بپذیر
و از آنها یک تاج برای
گذاشتن بر سر یهوشع کاهن
اعظم درست کن.

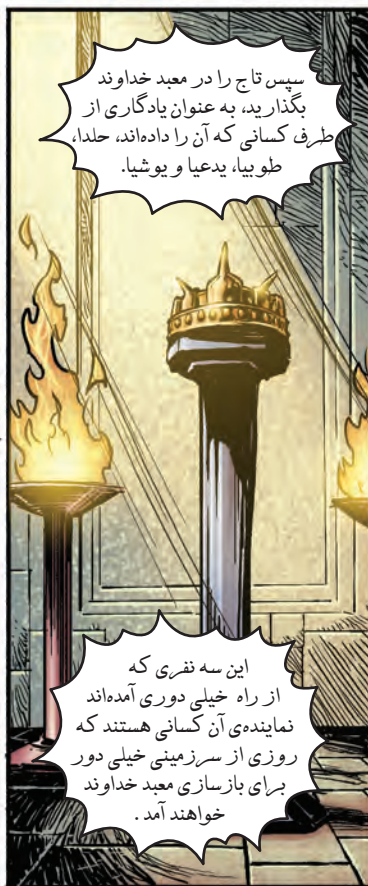


حلداء، طویبا،
و یدعیا هدایایی از تیره و
طلا از طرف یهودیان تبعید شده
در بابل خواهند آورد. آنها را در
خانه یوشیا ملاقات کن.



زمانی که این اتفاق افتد،
شما خواهد دانست که پیامهای
من از جانب خدا، خداوند قادر
مطلق بوده است.

اما هیچ کدام از اینها اتفاق
نمی‌افتد مگر اینکه شما کاملاً
از فرمانهای خداوند خدای خود
اطاعت کنید.



سپس تاج را در معبد خداوند
بگذارید، به عنوان یادگاری از
طرف کسانی که آن را داده‌اند، حلداء،
طویبا، یدعیا و یوشیا.

این سه نفری که
از راه خیلی دوری آمده‌اند
نماینده‌ی آن کسانی هستند که
روزی از سرزمینی خیلی دور
برای بازسازی معبد خداوند
خواهند آمد.



مقام سلطنتی که متعلق
به اوست. او در مقام کاهن و
پادشاه حکومت خواهد کرد، با
همانگی کامل بین این دو!

فراوند پرسید،
 "در آن ۷۰ سال تبعید و روزه آیا شما برای
 ترک کردن گناهانتان و بازگشت به سوی من
 جری بودید؟"

"زمانی که اورشلیم کامیاب
 و فوشیفت بود انبیا هشدار دارند که
 این راه و روش به نابودی هدایت
 خواهد شد و یقیناً هم اتفاق افتاد."



"ضارک باشید و عارلانه
 قضاوت کنید. رشوه نگیرید. نسبت
 به همه رعیع ومهربان باشید. از ظلم
 کردن به بیوه زنان و یتیمان، مردم
 بیگانه و فقیر دست بردارید، و برای
 یکدیگر توطئه نپنید."

"پدران شما به این پیام‌ها
 گوش نکردند. آنها با لجاجت روی
 برگرداندند و انگشتان خود را در
 گوش‌هایشان فرو کردند تا کلام
 فراوند را نشنوند."

"به همین دلیل
 آن فشم عظیم بر آنها
 فرود آمد."



در دوران ۷۰ سال تبعیدشان،
 یهودیان دو روزه ننگ می‌داشتند.

آنها آمدند تا از نبح جویا شوند
 که آیا باید ادامه دهند.

او به آنها پاسخ
 خداوند را داد...



فراوند قادر مطلق می‌فرماید: "من از دشمنان اورشلیم به دلیل کاری که با او کرده‌اند بسیار خشمگین هستم."



"شهر همت دآوری شده است. صور سوخته فواهر تا با زمین یکسان شود." (۱)

"فلسطین پر از ترس فواهر شد زمانی که آنها این را بینند."

"... من آنها را دور نگه فواهم داشت؛ دیگر هیچ ستمگر بیگانه‌ای سرزمین قوم من را تاراج نفواهر کرد." (۲)



(۲) اسکندر بزرگ دو دفعه به اورشلیم آمد و هیچ وقت به آن آسیبی نرساند.

(۱) صور فکر می‌کرد که با دیوارهای به ارتفاع ۴۶ متر شکست ناپذیر است. اما اسکندر بزرگ یک گذرگاه به صور ساخت و آن را در هفت ماه ویران کرد.

"اما ای قوم من شاری کنید! بتگیرید پادشاه شما می‌آید!"
"او عارل است، او پیروز است!"



"با فروتنی سوار بر کژه الاغی!" (۳)

(۳) مسیح به اورشلیم سوار بر کژهای وارد شد، کژهای الاغ.

فراوند می‌فرماید، "من یهودا و اسرائیل را قوی فواهم سافت؛ من آنها را دوباره بنا فواهم کرد زیرا که آنها را دوست می‌دارم."

"من با قدرتی از جانب قوم خود را قوی فواهم کرد!"



"و تو، ای لبنان، آتش درختان سدر تو را فواهر بلعید!"



سپس فراونر
فراى من فرمود، "تغلى
به عنوان شبان گله‌ی که برای
سلافى شاق شده‌اند بگیر."

شبانهای خودشان بر آنها
رحم نکردند، کاری می‌کنم که
همه آنها به دست پادشاهان و
همسایگان‌شان بیفتند. (۱)

(۱) از آنجایی که آنها خدا را به عنوان شبان حقیقی خودشان
نپذیرفتند آنها به "همسایه" شان رومیان و به "شاه" شان قیصر داده شدند.

پس من دو
عصای شبانی برداشتم، یکی را
رحمت و دیگری را اتقاد نامیدم، و گله را
پرانیدم همانطور که قبلاً گفته بودم که
این کار را انجام می‌دهم.

و از سه شبان‌های
دیگر آنها در عرض یک
ماه فلاص شدیم. (۲)

و من عصای خود را که آن
را رحمت نامیده بودم برداشتم
و آن را به دو قسمت شکستم، تا
نشان برهم که من عهد خود را
برای رهبری و حفاظت از آنها
شکسته‌ام. (۳)

(۳) خدا عهد خود را با موسی که مراقبت و
محافظت از قوم اسرائیل بود به دلیل نافرمانی آنها کنار گذاشت.

(۲) سه منصب کاهن، رهبر و
کاتب در مدت زمان کوتاهی از بین رفتند.

و من به رهبران آنها گفتم: "اگر مایلید مزد من را بدهید، هرچند من ثروتمند هستم، اما فقط اگر مایلید بدهید."

"پس آنها سی سکه نقره کوچک را به عنوان دستمزد من شمرند." (۱)



(۱) یهودا برای سی سکه نقره به عیسی مسیح خیانت کرد.

فراواند به من فرمود، "از آن برای خریدن زمینی برای سفاکگر استغاده کن، (۲) این مبلغ هنگفتی که در نظر آنها ارزش تو بود!" (۳)

"پس من آن سی سکه را گرفتم و آن را در معبد انداختم برای سفاکگرها." (۴)



(۲) رهبران یهودی با سی سکه نقره‌ای بازگردانده شده یک زمین خریدند.

(۳) عیسی به اندازه‌ی قیمت یک برده عادی ارزش گذاری شد.

(۴) برای کاری که کرده بود از غم و اندوه پر بود، یهودا سی سکه نقره را به داخل معبد انداخت.

سپس من عصبی دیگر خود یعنی اتفار را شکستم، تا به آنها نشان بدهم که اتفار برادری بین اسرائیل و یهودا شکسته شده است. (۵)



(۵) به دنبال عدم پذیرش مسیح، نفاق و اختلاف داخلی بین کاهنن مختلف یهودیان را بر علیه یهودیان قرار داد.

من به این قومی شبانی خواهم داد که او به آنانی که در حال مرگ هستند یا جوانان مراقبت نمی‌کند. او گوسفندان پرورار را خواهد خورد، حتی سُمهایشان را می‌کند. (۶)



(۶) از وقتی که یهودیان شبان نیکو را نپذیرفتند، به آنها یک شبان احق خواهم داد. دشمن مسیح از آنها مراقبت نخواهد کرد، بلکه به آنها حمله خواهد کرد.

"این است سر نوشت اسرائیل... من اورشلیم را برای همه ی ملت های نزدیک آن که ارتش های خود را می فرستند تا آن محاصره کنند مانند یک جام زهر فوادم کرد."



"و با وجود اینکه همه ی ملت های زمین با یک قصد با هم متحد می شوند تا او را نابود کنند، همه ی آنها زخمی خواهند شد."



"فراروند در ابتدا کسانی را که در یهودا باقی مانده اند پیروز خواهد گردانید. پس مردم اورشلیم به دلیل پیروزیشان از غرور پر نخواهند شد." (۱)



(۱) زمانی که دشمن مسیح و سپاهش بر ضد اسرائیل حرکت می کند خدا در ابتدا ناحیه های محافظت نشده اسرائیل را نجات خواهد داد که همه بدانند آن دست خدا بوده است.

"آنها بر او که نیزه زده اند خواهند نگریست، و برای او مثل اینکه برای تنها پسر خود سوگواری می کنند عزاداری خواهند کرد، و پشان به تلفی برای او گریه می کنند گویی که پسر نفستازده شان مرده است."



(۲) اسرائیل زمانی توبه می کند که ببینند آن کسی که نپذیرفتند و مصلوب کردند بازگشته است.

"در آن زمان چشمه‌ای بر مردم اورشلیم و اسرائیل جاری خواهد شد، چشمه‌ای که آنها را تمام گناهان و ناپاکی‌ها پاک می‌سازد."



"ای شمشیر بر فتن چوپان من
بر فتن، بر فتن کسی که همکار و
هم پیونر من است. (۱) "این
است فرموده خداوند قادر مطلق."

"و اگر کسی پرسید، "پس این زخمها
بر سینه و پشت تو به خاطر چیست؟"
او خواهد گفت، اینها را یک دوست
در فتنه‌اش به من وارد کرده است!"



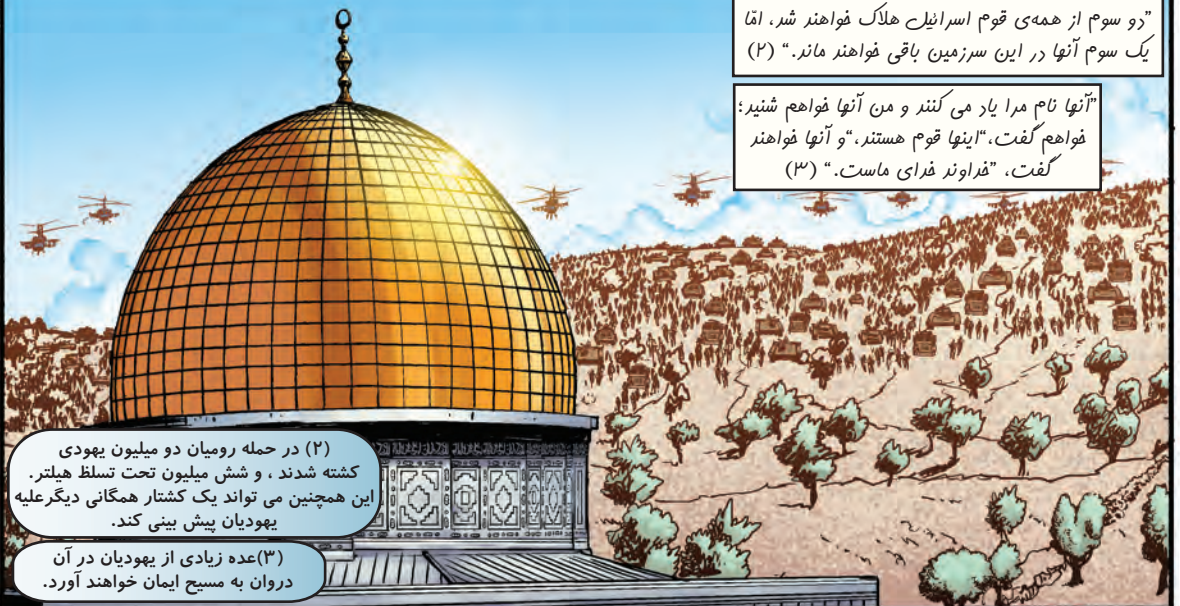
"شبان را بزن تا کوسفندان پرانگند شوند،
من باز فوادم گشت و کوسفندان را تسلی
فوادم بفشیر و از آنها مرقبت فوادم کرد."

(۱) خدا این مرد یعنی عیسی
مسیح را با خود برابر می‌داند.



"و سوم از همه‌ی قوم اسرائیل هلاک خواهند شد، اما
یک سوم آنها در این سرزمین باقی خواهند ماند." (۲)

"آنها نام مرا یاد می‌کنند و من آنها فوادم شنید؛
فوادم گفت، "اینها قوم هستند، و آنها فوادم
گفت، "خداوند فرای ماست." (۳)



(۲) در حمله رومیان دو میلیون یهودی
کشته شدند، و شش میلیون تحت تسلط هیلنر.
این همچنین می‌تواند یک کشتار همگانی دیگر علیه
یهودیان پیش بینی کند.

(۳) عده زیادی از یهودیان در آن
دروان به مسیح ایمان خواهند آورد.

"در آن روز فراوند ملتها را جمع می‌کند تا با اورشلیم بیکنند."



"در آن روز بر فراز کوه زیتون فواهد ایستاد، کوه زیتون دو نیم فواهد شد، دره‌ای بزرگ فرار از شرق به غرب به وجود می‌آید."

"شما از راه دره فرار فواهد کرد." (۱)

"و فراوند یک بلا بر همه‌ی مردمی که با اورشلیم جنگیدند فواهد فرستاد."



(۱) خدا به صورت ماورالطبیعی یک راه فرار برای مردم یهود فراهم خواهد کرد.

"آنها مانند پسرهای زنه فواهند شد، گوشت بدنشان پوسیده می‌شود، پشمهای آنها در هر قه فشک می‌شود، و زبان‌شان در دهانشان فاسد می‌گردد." (۲)

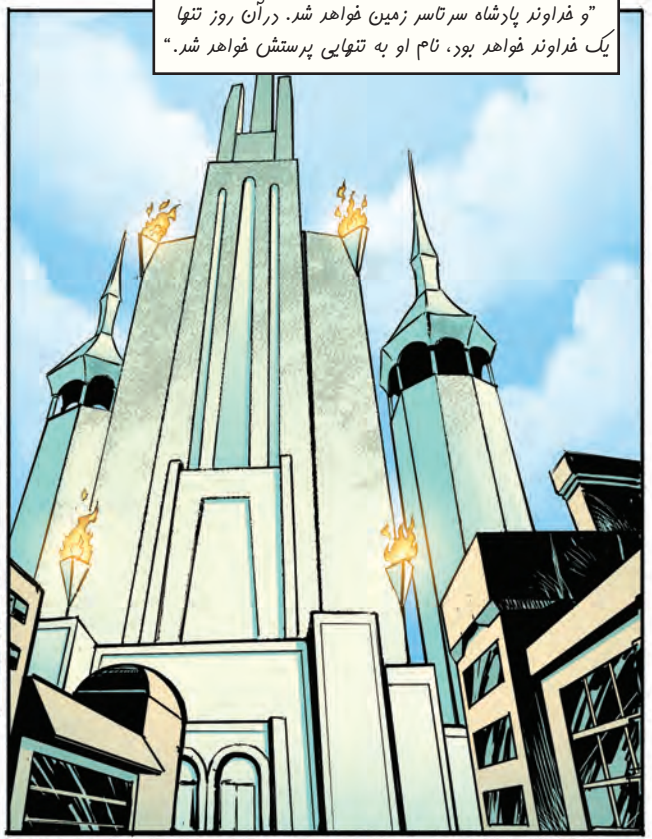


"آنها بر علیه یکدیگر فواهند جنگید و همین بلا حیواناتشان را هم از بین فواهد برد."

(۲) آیا هنوز واضح نیست، جنگ شیمیایی یا یک بلا الهی، دشمنان اسرائیل درست در جایی که ایستاده اند نابود خواهند شد.



"و فراوند پادشاه سرتاسر زمین فواهر شد. در آن روز تنها یک فراوند فواهر بود، نام او به تنهایی پرستش فواهر شد."



"همه‌ی زمین دشتی عظیم فواهر شد، اما اورشلیم در مکانی مرتفع فواهر بود."



"در آخر، آنانی که از بلایا زنده مانده هر سال برای پرستش پادشاه به اورشلیم فواهند رفت، یعنی فراوند قادر، مطلق، زمانی برای جشن گرفتن و شکرگزاری." (۱)



(۱) این مراسم عید خیمه برای یادآوری، و شکرگزاری برای، مرگ فداکارانه عیسی مسیح خواهد بود.

"و هر ملتی در هر جا که برای پرستش پادشاه به اورشلیم نیاید، یعنی فراوند قادر، مطلق، در سرزمین آنها بارانی فواهر بارید."



"در آن روز روی زنگوله اسبها نوشته شده است اینها وقف فراونر هستند."



"در واقع، همه‌ی دیگها در اورشلیم و یهوذا وقف فراونر قادر، مطلق فواهدر شر." (۱)



(۱) در سلطنت با شکوه مسیح موعود، حتی چیزهای دنیوی هم برای خدمت نه خداوند خواهد بود.

زکریا نبی درباره آمدن مسیح موعود سخنان زیادی گفت است.

و عیسی درباره‌ی زکریا و وقتی که داشت با فریادان صحبت می‌کرد سخن گفت.



من برای شما انبیا و مردان حکیم خواهم فرستاد... بعضی از آنها را خواهید کشت ...



... و از این جهت خون همه‌ی مردان خدا که ریخته شده است بر گردن شما خواهد بود از هابیل تا زکریا فرزند برخیا، که او را در معبد بزرگ جایگاه مقدس و قربانگاه کشتید.

